حقوق بشر آمریکایی؛
حمایت از گروه های تروریستی

(ویژه ی هفته بازخوانی و افشای ماهیت حقوق بشر آمریکایی)




بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه: ۲

۱) نقش امریکا در عملیات تروریستی گروهک فرقان ۲

۲) حمایت امریکا از عملیات تروریستی منافقین ۳

۳) ردپای سازمان سیا در ترور شهدای هسته‌ای ۵

مقدمه:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷، بلافاصله نقشه‌های متنوع و مختلفی به منظور ضربه زدن به نظام نوپای جمهوری اسلامی از سوی ابرقدرت‌های غربی و در راس آنها امریکا طراحی شد که یکی از آن نقشه‌ها، عملیات ترور بود. ترور سران و افراد شاخص نظام همچون شهیدان مطهری، بهشتی، باهنر، رجایی، قرنی، مفتح، هاشمی‌نژاد، قدوسی، مدنی، دستغیب، لاجوردی، اشرفی اصفهانی، صیاد شیرازی، شهدای هسته‌ای و ... همگی در این راستا طراحی شدند. نقش امریکا در ترورهای دهه ۶۰ مسئله‌ای بود که بنیانگذار عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، امام خمینی نیز همواره به آن اشاره می کردند. ایشان در ۲۳ مهرماه ۱۳۶۱ و پس از شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی توسط سازمان منافقین در محراب نماز جمعه، عاملین این جنایت را "منافقین و منحرفین شقی" خوانده و ابرقدرت‌های جهانی را مسئول چنین جنایت‌هایی دانستند.

با تورق اسناد و شواهد موجود می توان پی برد که امریکا پشت پرده این ترورها بوده است و مروری بر عملیات تروریستی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که امریکا چگونه این پروژه را مدیریت می کند.

۱) نقش امریکا در عملیات تروریستی گروهک فرقان

پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسنادی از حمایت امریکا از گروهک‌های تروریستی خصوصا گروهک فرقان فاش شد. در یکی از این اسناد با تاکید بر ارتباط همه جانبه "یک طلبه قدیمی" با سفارت و "وعده ترورهای هفتگی" وی به وزارت خارجه آمریکا آمده است: «یکی از دوستان قدیمی دفتر سیاسی، که یک طلبه قدیمی است و سال گذشته، مسئول مرکز بحث‌های ایدئولوژیک برای شاگردانش بود، یک دید خلاصه‌ای از فرقان داد. ۱۱ نفر از شاگردان قدیمی این شخص عضو گروه فرقان در تهران هستند. تعداد اعضای گروه فرقان ۴۰ الی ۵۰ نفر می‌باشند. آنها ترکیبی از چپ گراها و راستگراها هستند، اگرچه بیشتر آن‌ها نامتعادل هستند. به جز بعضی از افراطیون، اغلب آنها اصول اسلامی را قبول دارند و احساس می کنند که ترور راهی است که آنها از دست روحانیونی که با نظرات آنها هماهنگی ندارند خلاص می‌شوند. یکی از اعضای فرقان افتخار می کرد که آنها در نظر دارند خرابکاری را با ترور هفته‌ای یک روحانی شروع کنند و تا رسیدن به موفقیت ادامه دهند. اشکال در این است که در اینکه موفقیت چقدر می تواند باشد به توافق نرسیدند. منبع بیان داشت اعضای گروه فرقان که با آن‌ها در تماس است، توجهشان را به اهداف داخلی معطوف کرده‌اند.»

در ۳ می ۱۹۷۹ مصادف با ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸، تنها یک روز بعد از ترور شهید مطهری و معرفی فرقان به عنوان عامل این ترور، سفارت امریکا از افزایش سوءظن‌ها نسبت به امریکا گزارش می‌دهد. استمپل، در این گزارش می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که سوءظن‌ها علیه آمریکا در حال افزایش باشد. نتیجه آماده باش‌های عمیق و همگانی، مخصوصا اگر هویت گروه فرقان کشف شده و قاتلین نیز افراد سلطنت‌طلب باشند، این است که سوءظن‌های جدیدی علیه آمریکا به وجود می‌آیند. به طور مثال به این مسئله می‌توان اشاره کرد که تماس‌ها و منابع مذهبی ما در ۳۶ ساعت گذشته به زحمت یافت می‌شوند. چپ‌گراها و مسلمانان رادیکال، این حادثه را تأییدی بر نظریات [امام] خمینی در مورد آمریکا و دخالت بیجای آن در امور ایران می‌دانند. اگر این نقطه نظر انعکاس بیشتری پیدا کند (که الان ندارد) وضع هیئت ما از لحاظ ایمنی مشکل خواهدشد.»

اندکی بعد، در ۷ خرداد ۵۸، دادگاه انقلاب اسلامی تهران شواهدی مبنی بر ارتباط گروهک فرقان و "ریچارد هلمز"، رئیس پیشین سازمان سیا، که بعدا به عنوان سفیر در ایران خدمت کرد، ارائه داد. چند ماه بعد اسنادی در این رابطه کشف شد که ابعاد دیگری از ارتباطات پنهان امریکا و گروهک فرقان را فاش ساخت.

براساس مندرجات روزنامه جمهوری در دوم اسفند ۱۳۵۸ دانشجویان با بررسی اسناد لانه جاسوسی به شخصی به نام "پیروز شریفی" رسیدند. شریفی مدیر شرکت "ایز ایران" بود که در روزنامه جمهوری اسلامی درباره وی اینگونه آمده بود: «توسط امریکایی‌ها از او خواسته شده گروهی ترتیب دهد تا دولت را سرنگون کند. شریفی ظاهرا قصد داشت دو روز بعد به پاریس برود و با گروه‌های افراطی متعددی ملاقات کند... چند روز بعد مشاور سیاسی "تامست"، با شریفی ملاقات کرده و او از امریکا تقاضای کمک کرده است.»

روزنامه جمهوری اسلامی با استناد به اسناد کشف شده از لانه جاسوسی از فرد دیگری به نام "تامست" اسم می‌برد که با گروهک فرقان ارتباط داشته است. این روزنامه در این‌باره می نویسد: «تامست یکی از برجسته‌ترین جاسوسان امریکا در ایران بوده است. وی همکار لینگن بوده است... تامست مستقیما با گروه فرقان ارتباط داشته است و براساس اسناد موجود وی در توطئه‌ها و ترورهای گروه مذکور دست داشته است.»

۲) حمایت امریکا از عملیات تروریستی منافقین

بر اساس اسناد و مدارک موجود دولت امریکا سعی کرد با نزدیک شدن به منافقین و حمایت از فعالیت‌های تروریستی این سازمان طرح‌های خود علیه نظام جمهوری اسلامی را جامه عمل بپوشاند. متعاقب این طرح امریکا، درسال ۱۳۶۶ خبرگزاری فرانسه از واشنگتن گزارش داد که دولت آمریکا با سازمان مجاهدین خلق

(منافقین) دارای تماس‌هایی است. بنابر گزارش روزنامه لوموند در ۲۴ آوریل ۱۹۸۷، ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در امور خاورمیانه نیز در پاسخ به سوال یکی از نمایندگان کنگره آمریکا این تماس‌ها را تایید کرد.

بی‌بی‌سی نیز طی گزارشی با تأیید خبر ارتباط مقامات امریکا با منافقین گفت: وزارت خارجه آمریکا تایید کرد که با سازمان مجاهدین خلق ارتباط و تماس داشته است. چارلز ردمن سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، هدف از این ملاقات‌ها را کسب اطلاع از اوضاع ایران اعلام کرد.

براساس گزارش رادیو صدای مجاهد در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۶، چند ماه پیش از آن نیز ریچارد مورفی اظهار داشته بود: تماس ما با مجاهدین به منظور آگاهی از رویدادهای داخل ایران است.

روزنامه وال استریت ژورنال نیز در یکی از شماره‌های خود طی مقاله‌ای در مورد اهداف امریکا از ارتباط با منافقین نوشت: «اگر قرار باشد رژیم سرنگون گردد، از راه یک قیام عمومی و اتحاد ناراضیان داخلی با نیروهای کنارزده شده از ارتش و اتحاد این دو منبع با چریک‌های وابسته به مجاهدین است».

اسناد و مدارک بعدی فاش شده از ارتباط امریکا با منافقین نشان از حمایت امریکا از ترورهای سازمان در دهه ۶۰ دارد. یکی از این اسناد نوارهای فیلمبرداری شده از ملاقات‌ها و مذاکرات فوق سری رجوی با مقامات اطلاعاتی و امنیتی رژیم بعث عراق است. مسعود رجوی در یکی از این ملاقات‌ها صریحاً از ارتباط سازمان با کاخ سفید در عملیات‌های تروریستی دهه شصت پرده برمی‌دارد. وی در دیداری با سپهبد طاهر جلیل حبوش رئیس سازمان کل اطلاعات عراق در سال ۷۸ هنگام اشاره به سوابق روابط قبلی با آمریکا و فرانسه به عملیات تروریستی هفت تیر ۶۰ اشاره می کند و می گوید: «همان گونه که اطلاع دارید من در سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در پاریس بودم، در آن سال‌ها ... به ما تروریست نمی گفتند، هر چند که کاخ سفید و کاخ الیزه ... می‌دانستند که چه کسی حزب جمهوری را در ایران منفجر کرد ... آن‌ها می‌دانستند و خوب هم می دانستند، ولی صفت تروریست هم به ما نزدند.»

همچنین بنابر نوشته روزنامه ملی گازته چاپ اسلامبول در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۷۲، منافقین برای ادامه عملیات‌های تروریستی خود امکانات وسیع مالی از سازمان سیا دریافت کرده بودند. بنابر گزارش این روزنامه: «سازمان مجاهدین خلق نمایندگی های مختلف خود به ویژه در ترکیه و عراق را با امکانات مالی وسیع که از سوی سیا دریافت می کند، تاسیس کرده است». این روزنامه در گزارش خود تحت‌عنوان «تروریسم آمریکا در ایران» اضافه می کند: «مجاهدین

خلق از طریق نمایندگی‌های خود در عراق و ترکیه و توسط سازمان سیا تحت آموزش‌های تروریستی قرار گرفته و برای انجام عملیات به ایران اعزام می‌شوند».

۳) ردپای سازمان سیا در ترور شهدای هسته‌ای

امریکایی‌ها برای تکمیل پازل خود در حمایت از سازمان‌های تروریستی در اقدامی دیگر همراه با رژیم صهیونیستی و منافقین، شروع به ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی کردند. جان کلاسر در مقاله‌ای در ۴ نوامبر ۲۰۱۱ اظهار کرد: «امریکا برای متوقف نمودن برنامه هسته‌ای ایران به چند اقدام متوسل شده است: بهره‌گیری از تروریسم سایبر، کشتن هدفمند دانشمندان ایرانی، محاصره مالی و جنگ نیابتی.» همچنین پاتریک کلاسون دبیر ابتکار امنیتی ایران در بنیاد واشنگتن ترور دانشمندان هسته‌ای ایران را یکی از راه‌ها مقابله با ایران دانست و گفت: ترور«راهی است که در پیش‌رو قرار دارد».

شبکه ان‌بی‌سی آمریکا درباره ترور چهار دانشمند هسته‌ای ایران، به نقل از یک مقام آمریکایی، بدون فاش کردن هویت او، اعلام کرد حملات علیه دست‌اندرکاران برنامه اتمی ایران توسط سرویس اطلاعاتی رژیم اسرائیل انجام شده. این مقام آمریکایی افزود: این ترورها با اطلاع واشنگتن انجام شده است.

روزنامه ایندیپندنت چاپ انگلیسی نیز از رد پای امریکا در ترورهای هسته‌ای پرده برداشت و با اشاره به ۳ رویداد، انتشار اسناد جدیدی توسط ویکی لیکس، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و انتصاب رئیس جدید موساد می‌نویسد: «این وقایع ظاهرا نامرتبط‌اند اما افشای اسناد وزارت خارجه آمریکا درباره نگرانی این کشورها از برنامه هسته‌ای ایران، ترور مرموزانه یک دانشمند هسته‌ای ایران در تهران و مجروح شدن یک دانشمند دیگر و انتصاب تامیر پاردو به عنوان رئیس موساد، بین این رویدادها ارتباط برقرار کرده است.»

نویسنده این گزارش که کارشناس مسائل راهبردی، اطلاعاتی و تروریسم است در ادامه می‌افزاید: «ترورهای اخیر در ایران بخشی از تلاش‌های بی‌پایان جامعه اطلاعاتی اسرائیل همراه با همتایان غربی آن از جمله (ام.آی.۶) انگلیس و سیا (سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا) برای مختل کردن یا به تاخیر انداختن و در صورت امکان بازداشتن ایران از تحقق هدفش در دستیابی به اهداف هسته‌ای‌اش است». همچنین در نوامبر سال ۲۰۱۱ گاردین گزارش داد "عملیات سیاه" توسط امریکا و رژیم صهیونیستی، دانشمندان ایرانی را هدف گرفته است.

پایگاه خبری وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی نیز در دی ماه ۱۳۸۹ با اشاره به عملیات‌های تروریستی در ایران و ردپای امریکا در این عملیات‌ها می‌نویسد: «سوء قصد به جان دانشمندان اتمی ایران، بخشی از برنامه‌های امریکا، انگلیس و اسرائیل با هدف جلوگیری از رسیدن ایران به بمب اتمی بوده است».

بعد از ترور شهید شهریاری هم فیل جرالدی افسر سابق سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) و بخش اطلاعات ارتش آمریکا طی یادداشتی در پایگاه خبری آی‌آرآی سنتر اعتراف کرد در روز ۲۸ نوامبر سال ۲۰۱۰ (۸ آذر ۱۳۸۹) سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی با همکاری گروهک منافقین اقدام به ترور دانشمند هسته‌ای ایران کردند .مجله تایمز نیز بعد از شهادت شهید احمدی روشن، در مقاله‌ای نوشت غرب به پرچم‌داری امریکا «یک تلاش پنهان گسترده» برای مجبورکردن ایران به عقب‌نشینی از برنامه هسته‌ای‌اش در پیش گرفته است.

اما مهم‌ترین اظهار نظر در خصوص نقش امریکا در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، اظهارات رمزی کلارک دادستان سابق ایالات متحده است. او با صدور بیانیه‌ای به صراحت و روشنی پرده از نقش امریکا در این ترور برداشت و گفت: «یک دانشمند دیگر ایران، مصطفی احمدی روشن، در اثر انفجاری بمبی که به اتومبیلش متصل شد، ترور گردیده است. این پنجمین دانشمند ایرانی است که هدف تروریست‌هایی قرار می‌گیرد که در عرض دو سال گذشته در ایران فعال بوده‌اند... این عملیات در واقع افزایش مرگ‌بار فعالیت‌های مخفی جنایت‌باری است که توسط امریکا و اسرائیل و تروریست‌ها و مأموران مخفی بومی آنان در ایران علیه دولت و مردم ایران صورت می‌گیرد».

کلارک در ادامه اظهارت خود ادعای امریکا در مورد عدم دخالت در ترورهای ایران را بی‌مورد می‌خواند و می‌گوید: «درحالی که وزیر امور خارجه هیلاری کلینتون هر گونه دخالت امریکا در این اعمال را انکار کرده است، ولی واقعیت مهم و غیر قابل انکار این است که دولت‌های امریکا و اسرائیل آشکارا ایران را دشمن نامیده و ...ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در واقع تلاشی برای ترساندن مردم ایران... توسط امریکا و اسرائیل است.»

اما باید گفت با وجود این جنایت‌ها که در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران از سوی امریکا و متحدانش برنامه‌ریزی و مدیریت شده است، ملت ایران هرگز در برابر استبداد و استعمار قد خم نکرده و همچنان به راه خود ادامه داده است. به فرموده امام خمینی: «این جنایتکاران اشتباهشان این است که خیال می‌کنند ایران با این وضعی که از اول داشته تا حالا، در زمان انقلاب داشت، این مثل جاهای دیگری [است] که اگر چند تا بمب در چند جا منفجر کنند و چند نفر از عزیزانشان را از بین ببرند و به شهادت برسانند، ملت عقب می‌نشیند. در صورتی که اینها تجربه کردند

از اول نهضت تا حالا؛ اشخاص سرشناس ما، دانشمندان ما، متفکران ما را ترور کردند و ملت به همان استقامتی که داشت بیشتر و مصمم‌تر جلو رفت و از این به بعدهم همین طور است. این طور نیست که اگر چند نفر را شهید کردند، دیگران کنار بنشینند. این سنتی بوده است که از صدر اسلام بوده است که در مقابل همهٔ ناامنی‌ها و همهٔ ناراحتی‌ها و همهٔ گرفتاری‌ها، اولیای خدا ایستادند...»